

نقش و اهمیت مذهبی، فرهنگی و اجتماعی راه عتبات (قم - قصر شیرین) با تکیه بر رفت و آمد زائران شیعی در دوره قاجار

سعیده سلطانی مقدم / کارشناس ارشد تاریخ ایران
ابراهیم اصلانی ملایری / استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک

چکیده

جاده قم - قصر شیرین یکی از راه‌های اصلی و مهم در تاریخ ایران دوره اسلامی است. این جاده در دوره قاجاریه به سبب شرایط سیاسی آن دوره، به‌ویژه بهتر شدن روابط ایران و عثمانی، اهمیت بیشتری یافت. برخی از بنیادی‌ترین افکار جدید و غربی از این مسیر به ایران راه یافت. نوشتار حاضر به نقش و اهمیت اجتماعی، فرهنگی و مذهبی راه قم - قصر شیرین می‌پردازد.

برای بررسی این موضوع، این مقاله با استفاده از شیوه «تحلیلی - توصیفی» و بهره‌گیری از منابع این دوره، به این موضوع پرداخته است و به عبارت دیگر، کوشیده است نشان دهد که راه قم - قصر شیرین در دوره قاجار، مهم‌ترین راه داخلی ایران تا سرحدات غرب کشور بوده است. این راه به سبب نقش‌های متنوعی که داشت، تأثیر همه‌جانبه‌ای در حیات فرهنگی و مذهبی سکونتگاه‌ها و منازل واقع‌شده در طول مسیر بر جای گذاشته است.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، مذهب، قم - قصر شیرین، راه.

مقدمه

ایران راه‌های متعددی برای ارتباط با کشورهای اطراف و کشورهای اروپایی در دوره قاجار داشت که مهم‌ترین آن، جاده قم - قصرشیرین بوده است. اهمیت اجتماعی، فرهنگی و مذهبی این راه به روابط دو دولت قاجار و عثمانی برمی‌گشت. روابط نامناسب ایران و عثمانی در دوره قاجاریه ادامه یافت و درگیری‌های متعددی میان سپاهیان دو دولت روی داد. در زمانی که این رابطه بهبود پیدا می‌کرد، چون این راه قسمتی از راه حج بود، جمعیت پرشماری برای رفتن به حج، از این مسیر عبور می‌کردند و طلاب فراوانی برای ادامه تحصیل به عتبات می‌رفتند. کتاب‌های پرشماری از ایران به عتبات و بعکس انتقال می‌یافت. در این زمینه، هیچ پژوهشی انجام نشده است که تمام ابعاد اجتماعی، فرهنگی و مذهبی یک مسیر را در نظر بگیرد، غیر از کتاب *از قصرشیرین به طوس* که در دوره رضاخان چاپ شده است و بعضی از شهرهای این مسیر را در بردارد و فقط موقعیت جغرافیایی مسیر از نظر وجود کوه، دره و رودخانه در آن بحث شده است.

در نوشتار حاضر، این فرضیه بررسی می‌گردد که مسیر قم - قصرشیرین تأثیرهای خاص فرهنگی و مذهبی بر شهرهای مسیر گذاشته است. از مسیر مذکور، طبقات گوناگون اجتماعی استفاده می‌کردند. و به ظن قوی، رفت و آمدهای کاروان‌های زیارتی طلاب و روحانیان در این مسیر، بر حیات فرهنگی، مذهبی و اقتصادی شهرها، سکونت‌گاه‌ها و منازل مردم تأثیر داشته است.

تاریخچه راه قم - قصرشیرین

تاریخچه راه قم - قصرشیرین را از دوره صفویه پی می‌گیریم که به علل گوناگون، دوران اهمیت یافتن این مسیر از عصر صفویه آغاز می‌شود.

سلسله صفویه زمانی تأسیس شد که دولت عثمانی در اوج قدرت بود. توسعه روزافزون قلمرو عثمانی‌ها در مغرب ایران و تجاوز ازبکان به خراسان، ایران را با خطر تجزیه و تقسیم آن بین ترکان عثمانی و ازبکان مواجه ساخته بود.

صفویّه تحت لوای مذهب شیعه، این خطر را از بین بردند و استقلال ارضی و وحدت سیاسی ایران را واقعیت بخشیدند. (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۴۷) این امر منجر به بروز جنگ‌هایی میان ایران و عثمانی شد. با این حال، هرگاه آتش جنگ و خصومت فروکش می‌کرد مجالی برای مناسبت‌های تجاری فراهم می‌آمد. اما مهم آن است که ترکان با وجود همه نابسامانی‌ها و منازعات سیاسی و برخوردهای نظامی، تلاش می‌کردند تا ابریشم مورد نیاز کارگاه‌های پارچه‌بافی بورسه را از مسیر قم - قصرشیرین تأمین کنند. آن‌ها در تلاش‌های اقتصادی‌شان، حتی از وارد آوردن فشار سیاسی - نظامی مضایقه نمی‌کردند. عثمانی‌ها پس از جنگ چالدران و تسخیر بغداد، بر راه قم - قصرشیرین تسلط کامل یافتند تا از این راه، همچنان ابریشم مورد نیازشان تأمین شود. (پژوهش کمبریج، ۱۳۸۰، ص ۲۲۷) در اواخر قرن شانزدهم، با توجه به اهمیت شهر تبریز و به ویژه پس از روی کار آمدن سلسله صفویه و رونق گرفتن راه تجاری تبریز - قزوین - قم - کاشان - اصفهان، از اهمیت اقتصادی مسیر قم - قصرشیرین تا حدی کاسته شد. (گروته، ۱۳۶۹، ص ۱۸۳)

در زمان ضعف و فتور دولت صفویه تا روی کار آمدن نادرشاه، دوره رکود و بی‌رونقی راه قم - قصرشیرین رقم خورد، تا آنکه نادرشاه موفق به تشکیل سلسله افشاریه شد. نادر نیز رویه دولت صفویه را با عثمانی در پیش گرفت و سه بار به بغداد لشکر کشید، تا آنکه پس از تشکیل انجمن دینی نجف، پیشنهادهای نادرشاه مبنی بر لزوم رعایت حقوق تجاری بازرگانی ایرانیان توسط عثمانی و بسته شدن معاهده زهاب روابط دوستانه برقرار گردید و دوباره راه قم - قصرشیرین رونق یافت. (نصیری، ۱۳۶۴، ص ۱۳) پس از نادرشاه، به سبب بروز هرج و مرج، رونق این راه دوباره دچار رکود گردید. اما با روی کار آمدن کریم خان و برقراری صلح و آرامش، مجدداً پای اروپاییان به ایران باز شد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۴) و راه‌ها بسیار امن گردید. گزارش کنسول فرانسه در بغداد، حاکی از آن است که امنیت راه‌ها مجدداً برقرار شده بود و کاروان‌های تجاری و زیارتی بسیاری در این مسیر آمد و شد می‌کردند، تا آنجا که پانزده الی بیست هزار خانواده ایرانی، که تا آن زمان در بغداد زندگی می‌کردند، تصمیم به بازگشت به ایران گرفته بودند. (هادی هدایتی، ۱۳۳۴،

مطالب موجود در منابع دوره قاجار نشان می‌دهد که در این دوره، امنیت و آبادانی راه‌ها مطمئن نظر خاص بوده و توجه به راه‌ها در دوره ناصرالدین شاه چشمگیر بوده است. (هانری بایندر، ۱۳۷۰، ص ۳۹۰) او علاقه قابل توجهی به بازسازی و مرمت راه‌ها داشت. وزیر انطباعات آن عصر، که در جریان تمام فعالیت‌های درباری بود، یادداشت‌های خوبی در این باره بر جای گذاشته است. وی می‌نویسد: برای ساختن راه تهران به جنوب، ناصرالدین شاه یک‌صد هزار تومان اختصاص داده است که یک راه از تهران به محمره ساخته شود. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷، ص ۵۵) ساختن و پرداختن تمام خط راه عتبات عالیات از تهران تا خانقین به دست «مسیو کاستگرخان»، که همه راه را مسطح و هموار و عراده‌رو کرد، پیش از سفر ناصرالدین شاه به کربلا صورت گرفت. (اوژن اوبن، ۱۳۶۲، ص ۳۵۲)

نوسازی کاروان‌سراهای واقع در این راه، که در سال ۱۲۸۷ هـ. ق صورت گرفت، نمونه‌ای از توجه خاص به راه عتبات در این دوره به حساب می‌آید. (ادیب الملک، بی‌تا، ص ۶۲) در این مسیر، تعداد زیادی کاروان‌سرا وجود داشت که همه آن‌ها در یک اندازه و به یک میزان اهمیت نداشت. دو کاروان‌سرای «حوض سلطان» در قم و کاروان‌سرای «ماهی‌دشت» در کرمانشاه مهم‌ترین و پررونق‌ترین کاروان‌های احداث شده در این مسیر بود (فلاندن، ۲۵۳۶، ص ۱۸۷) کاروان‌سراهای این دوران در شیوه ساخت، نسبت به ادوار گذشته، چندان متفاوت نبود. اجزا و بخش‌های کاروان‌سراها همچنان شامل باربندها و اتاق‌هایی بود که گرد حیاط ساخته می‌شد. در پشت این غرفه‌ها، فضای تالار ماندی برای نگه‌داری چهارپایان و احشام تعبیه می‌گردید. در مجموع، تمام این مجموعه به وسیله دیوارها و برج‌های بلندی که به منظور تأمین امنیت ایجاد می‌شد، محصور می‌گشت. نکته مهم برای کاروان‌ها، حفظ امنیت جانی و مالی اهالی کاروان‌هایی بود که به آنها وارد می‌شدند و تمهیدات فیزیکی انسانی خاصی برای افزایش امنیت به کار بسته می‌شد؛ از جمله اینکه کاروان‌سراها تنها دارای یک راه خروجی و ورودی داشتند تا نظارت لازم صورت پذیرد. (ماکسیم سیرو، ۱۹۴۹، ص ۶۰)

در زمینه تأمین امنیت، برای مسافران دولتی و سیاحان خارجی گذرنامه همراه کاروان صادر می‌شد که مهمور به مهر دولتی بود تا نشان دهد آن‌ها دارای مصونیت امنیتی و سیاسی خاص هستند. البته کاروان‌های دولتی غالباً با خود سلاح حمل می‌کردند تا در صورتی که مورد حمله راهزنان قرار گرفتند، بتوانند از خود و اموال و اثاثیه کاروان دفاع و محافظت کنند. (هیزش بروگش، ۱۳۶۷، ص ۲۷۶) در مناطقی که اهمیت سوق‌الجیشی بیشتری داشت، از قراسواران خاص و توانمند استفاده می‌شد. این‌گونه محافظان بیشتر در دروه ناصرالدین شاه دیده می‌شدند. (افضل الملک، ۱۳۸۴، ص ۵۴) از اقدامات دیگر دولت قاجار، گماشتن سرباز در گردنه‌ها بود. برای مثال، در گردنه اسدآباد، که تمام مسافران مسیر عتبات باید از این گردنه عبور می‌کردند، موقعیت مناسبی برای حمله و غارت راهزنان بود. از این رو، قریب شصت تن سرباز برای محافظت از این گردنه در آنجا مستقر می‌شدند. (هیزش بروگش، ۱۳۶۷، ص ۲۹۹) در انتهای مسیر قم - قصرشیرین، وظیفه مهم تأمین امنیت به طایفه‌ها و یا اهالی منطقه‌ای خاص سپرده می‌شد. (اعتصام الملک، بی‌تا، ص ۱۲)

در دوره کریم‌خان نیز سه راه عمده مبادله کالا وجود داشت که مهم‌ترین آنها راه قم - قصرشیرین بود. از این راه، شال کشمیر، چیت، پوست بره، ابریشم، تنباکو و مانند آن صادر می‌شد و از طریق عثمانی، محصولات و فراورده‌های اروپایی و منسوجات دمشق و حلب و مواد رنگی و جواهرات و سکه وارد می‌گردید. راه قم تا قصرشیرین بیش از آنکه اختصاص به حمل و نقل کالاهای تجاری داشته باشد مورد استفاده زایران قرار می‌گرفت. از سوی دیگر، این مسیر مهم‌ترین راه رفت و آمد حاجیان بود. بسیاری از زایران خانه خدا در عین حال که به سفر زیارتی و مذهبی می‌رفتند، از فرصت پیش آمده استفاده نموده، به تجارت نیز می‌پرداختند. این امر به ویژه با توجه به اینکه زایران از پرداخت مالیات و عوارض گمرکی معاف بودند، مشوق زایران در امر تجارت و یا ارائه خدمات فنی و حرفه‌ای بود. البته این امر مطلوب عثمانی نبود و درصدد ممانعت از آن بود. برای مثال، پاشا لیک بغداد، که می‌خواست این رویه را برهم زند، با کریم‌خان زند دچار چالش گردید. (جان پری، ۱۳۶۸، ص ۳۵۷)

در مسیر قم - قصر شیرین، منازل و شهرهای متعددی وجود داشت. ترتیب آن از قم به قصر شیرین این‌گونه بود: از قم، که ابتدای راه بود به «تاج خاتون» می‌رفتند. منزل بعدی «سیاوشان» بود که از جنوب به «سلطان آباد» می‌رفت. (ویلز، ۱۳۶۸، ص ۱۴۰) منزل‌های بعدی - به ترتیب - بروجرد، نهاوند، ملایر، همدان، اسدآباد، کنگاور (محمد سیف‌الدوله، ۱۳۶۴، ص ۲۵۶)، بیستون، ماهی‌دشت، هارون‌آباد، کردند، پایین طاق، میان طاق، پل زهاب، و در نهایت، قصر شیرین نقطه پایانی این راه بود. (ادیب الملک، بی‌تا، ص ۴۹)

نقش و اهمیت فرهنگی، اجتماعی، مذهبی راه قم - قصر شیرین

به‌طور طبیعی، جاده‌های پر رفت‌وآمدی مثل جاده قم - قصر شیرین، به‌ویژه به سبب اهمیت دینی آن برای سفر حج و عتبات، می‌توانست راهی برای فرهنگ و مظاهر آن، از جمله شعائر دینی و مذهبی باشد.

درباره این مسیر، چندین نکته را می‌توان در نظر گرفت:

۱. این مسیر برای رفت و آمد حج از عراق به حجاز استفاده می‌شد و بنابراین، زایران فراوانی برای حج از این مسیر استفاده می‌کردند.
۲. این مسیر همچنین برای زایران عتبات در حدی بسیار گسترده مورد استفاده بود.
۳. اهمیت دیگر مسیر برای حمل جنازه‌های افرادی بود که وصیت کرده بودند در «وادی السلام» نجف یا دیگر عتبات دفن شوند. برای انجام این کار، سالانه صدها جنازه از این مسیر به عراق انتقال می‌یافت.
۴. این مسیر مورد استفاده طلاب علوم دینی بود که از ایران به عراق رفت و آمد می‌کردند و خود این امر نکته مهمی در استفاده فرهنگی از این راه است.
۵. در نیمه دوم حکومت قاجار، این مسیر همچنین مورد استفاده هیأت‌های خارجی، به ویژه هیأت تبشیری بود.
۶. افزون بر این‌ها، به صورت طبیعی، کاروان‌هایی مشتمل بر تجار، هنرمندان و نیز کارگران فنی و فرهنگی‌ها (برای خواندن کتیبه‌های بیستون)، از این مسیر عبور می‌کردند و آثاری از خود بر جای باقی می‌گذاشتند.

الف. کاروان‌های زیارتی

عبور و مرور کاروان‌های زیارتی در مسیر قم - قصرشیرین از موضوعات مهم در این باره است. با توجه به روایات فراوانی که در متون مذهبی شیعه درباره اهمیت زیارت اماکن متبرکه، به‌ویژه حرم امام حسین علیه السلام وجود دارد، طبیعی بود که سالانه افراد فراوانی از مردم ایران، از نواحی گوناگون، راهی عراق می‌شوند. معمولاً این افراد یک ماه یا بیشتر به عنوان زائر عتبات عالیات در عراق سکنی می‌گزینند. کاهش و افزایش زائران بیش از هر عاملی وابسته به نوع روابط ایران و عثمانی بود. البته در دوره قاجار برای علاقه‌مندان به زیارت عتبات به نسبت ادوار قبل، فرصت مناسب‌تری فراهم شده بود که مهم‌ترین عامل آن کاهش روابط خصمانه ایران و عثمانی نسبت به ادوار قبل، به ویژه صفوی بود.

عامل مهم دیگر در رونق گرفتن امر زیارت عتبات و فراوانی کاروان‌های زیارتی، شیعه مذهب بودن اکثریت مردمان ساکن در نواحی واقع در مسیر قم - قصرشیرین بوده (جز در منطقه‌ای خاص از کرمانشاه، که گروهی با عنوان «علی‌اللهی» یا «اهل حق» زندگی می‌کردند). از این رو، هم به عنوان عملی مذهبی به کاروان‌ها ارائه خدمات می‌شد و هم کاروان‌ها حتی‌الامکان به عنوان زائران عتبات تحت امنیت ساکنان آن نواحی قرار می‌گرفتند. (ادوارد براون، ۱۳۸۶، ص ۳۳۹-۳۴۶)

در این کاروان‌ها، افرادی تحت عنوان چاوش یا روحانی بودند که مسائل و موضوعات دینی را برای کاروان اعلام می‌کردند و همچنین چاوش ورود و خروج آن‌ها را به شهرها و روستاهای مهم اعلام می‌داشت و این عمل آن‌ها موجب افزایش روحیات معنوی و مذهبی در کاروان‌ها و محل‌هایی که به آن وارد می‌شدند، می‌گشت. (ادیب الملک، بی‌تا، ص ۴۹)

کاروان‌ها معمولاً در انتخاب زمان حرکت دو نکته را در نظر می‌گرفتند: یک فصل سرما، و دیگری برداشت محصولات. بنابراین سفرها بیشتر در پاییز صورت می‌گرفت که هم هوای عراق، ملایم‌تر بوده و هم در ایران کار کشاورزی پایان یافته بود. (گروته، ۱۳۶۹، ص ۱۵۲) اما با این حال، در ایام خاص مذهبی، مانند محرم و صفر و اعیاد، این سفرها بیشتر صورت می‌گرفت. (فرید قراگزلو، ۱۳۵۴، ص ۴۵۳)

بروز بیماری‌های مسری در کاهش کاروان‌ها مؤثر بود. در دهه‌های آخر دوره قاجار، دولت عثمانی و دولت ایران در این مواقع بر سفرهای زیارتی کنترل مختصری اعمال می‌کردند. حتی گاه به‌طور کلی، راه عتبات را مسدود می‌ساختند. (همان، ص ۲۱۸) زایران نیز در مرز معاینه پزشکی می‌شدند و از هر کدام از آن‌ها مبلغی به عنوان ورودیه دریافت می‌شد. مستمندان از پرداخت این وجه معاف بودند. (اوبن، ۱۳۶۲، ص ۳۴۱)

کاروان‌هایی که به زیارت عتبات می‌رفتند، فقط ایرانیان نبودند. زایران قفقاز، افغانستان و آسیای مرکزی نیز برای رفتن به عتبات از همین راه استفاده می‌کردند. (گروته، ۱۳۶۹، ص ۱۶۵) تنها اهالی جنوب از طریق خلیج فارس به زیارت می‌رفتند. کاروان‌های قفقازی، افغانی و آسیای مرکزی سفر خود را تنها به عتبات منحصر نمی‌کردند، بلکه در راه بازگشت، برای زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم می‌آمدند. (اوبن، ۱۳۶۲، ص ۳۴۲-۳۵۲) اعراب شیعه از بغداد و بحرین نیز برای سفر به مشهد راهی ایران می‌شدند. (فلاندن، ۲۵۳۶، ص ۳۰۱) برخی از کاروان‌سراها در ایام مخصوص، محل برگزاری روضه‌خانی و تعزیه به مناسبت شهادت امام حسین علیه السلام بودند و در ایام محرم، حرکت دسته‌ها طوری تنظیم می‌گشت که از دو سه کاروان‌سرا بگذرد و در آنجا از عزاداران استقبال و پذیرایی می‌کردند (اعتصام الملک، بی‌تا، ص ۹۱) تجار نامی، بانی مخارج این مراسم بودند.

نقش تجار از نظر مذهبی مهم بود، به‌گونه‌ای که بیشتر آنان به زیارت خانه خدا نایل گشته، در انجام مراسم گوناگون دینی، خود از سردمداران تکایا و گروه‌های عزاداری بودند. زایران خانه خدا در این کاروان‌سراها با آنان همراه می‌شدند. این مراسم علاوه بر تأثیرهای مذهبی، به تقویت وحدت ملی کمک می‌کرد. (گروته، ۱۳۶۹، ص ۳۵۳) این آمد و شد کاروان‌های غیر ایرانی، هم موجب رونق اقتصادی می‌شد و هم تبادلات فرهنگی را باعث می‌گردید.

ب. حمل جنازه به عتبات

فقط زندگان نبودند که هر ساله برای زیارت به شهرهای مذهبی می‌رفتند. سالیانه تعداد زیادی جنازه نیز به آنجا برده می‌شد تا در جوار مزار امامان معصوم علیهم‌السلام به خاک سپرده شوند. (قاضی عسگر، ۱۳۸۲، ص ۹۵) انتقال جنازه به عتبات، حتی از سوی شاهان قاجار نیز گزارش شده است. برای مثال، آقامحمدخان باقی‌ماندهٔ اجدادش را به عتبات انتقال داد تا در نجف به خاک سپرده شوند. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۴۲۱) این رویه در سراسر دورهٔ قاجار استمرار داشت و در این دوران، اجساد تعدادی از شاهان و شخصیت‌های بزرگ سیاسی و مذهبی به عتبات انتقال داده شد و مدفن بسیاری از آنها مانند آقا محمدخان، مظفرالدین شاه، احمدشاه و صدر اعظم‌های دورهٔ قاجار، امیرکبیر، میرزا شفیع‌خان مازندرانی صدر اعظم، حاج میرزا آغاسی و علمایی همچون ملا احمد نراقی و سیداسدالله شفتی در عتبات عالیات است. (قائدان، ۱۳۸۳، ص ۵۹-۱۵۷) انتقال اجساد به عتبات به حدی رونق گرفت که در کرمانشاه، کاروان‌هایی پیدا شدند که کار آنها انتقال اجساد به عتبات بود. (بایندر، ۱۳۷۰، ص ۳۸۴)

انتقال جنازه‌ها به شرط اطمینان مأموران عراقی از رعایت موازین بهداشتی امکان‌پذیر می‌شد. پزشک کنسولگری ترک، که از سوی شورای بهداشتی اسلامبول در این ایالت نمایندگی رسمی داشت، جنازه‌ها را معاینه می‌کرد. اجازهٔ عبور تنها برای جنازه‌هایی صادر می‌شد که حداقل سه سال از تاریخ درگذشت صاحبان آنان گذشته بود و محقق می‌شد که جسد کاملاً خشک شده است. (دیولافوا، ۱۳۳۲، ص ۱۳۱)

به جز عوارضی که دولت عراق برای ورود هر جنازه دریافت می‌کرد، در ولایت کرمانشاه نیز عوارض اخذ می‌شد و عایدات آن صرف بیمارستانی پانزده تخت‌خوابی می‌گردید که در آن شهر، برای مداوا و معالجهٔ زایران بیمار احداث شده بود. این بیمارستان دارای داروخانه، درمانگاه و اتاق عمل بود. ابزار پزشکی و داروهای بیمارستان کرمانشاه را از پاریس وارد می‌کردند. (اوبن، ۱۳۶۲، ص ۳۴۱)

ج. رفت و آمد علما و طلاب

علاوه بر موقعیت جغرافیایی کرمانشاه، که از گذشته به سبب قراردادش در راه قم - قصرشیرین به یکی از محل‌های مهم عبور و باراندازی کاروان‌های تجاری، زیارتی و سیاسی تبدیل شده بود، هنگامی که محمدعلی میرزا دولت‌شاه به عنوان والی ولایت کرمانشاهان و لرستان و خوزستان و تختگاه سرحددار عراقین انتخاب شد، علایق علمی و مذهبی او سبب گردید هنگامی که کاروان علما و طلاب عازم عتبات به کرمانشاه می‌رسید، او از ایشان استقبال و پذیرایی کند و با حضور آنان، مجالس بحث و تبادل افکار و آرا برپا کند. برای نمونه، می‌توان به استقبال و پذیرایی او از شیخ احمد احسائی اشاره کرد (اردکانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۲۳) که بسیار بارز و شکوهمند بود. (دمورگان، ۱۳۳۹، ص ۱۰۲) این امر سبب شده بود کرمانشاه در این دوره به یک مرکز علمی و فکری تبدیل گردد. شاید تشکیل مکتب‌خانه‌های متعدد عمومی و بنای مساجد و کتاب‌خانه نیز در نتیجه این فضای علمی و فکری بود که در زمان ولایت دولت‌شاه بر کرمانشاه پدید آمده بود. (والی‌زاده معجری، ۱۳۸۰، ص ۲۱)

علاوه بر کرمانشاه، که از ثمره ورود و خروج علما بهره‌های مذهبی و فرهنگی زیادی برد، توقف طولانی مدت طلاب و روحانیان عازم عتبات در کرمانشاه، فرصتی فراهم آورد که از آن‌ها برای تبلیغ دین و افزایش آگاهی نواحی مجاور کرمانشاه، از جمله لرستان استفاده گردد. (دوبد و جان ادموندز و مینورسکی، ۱۳۶۲، ص ۲۷) بعضی از علما مورد احترام هر دو دولت ایران و عراق بودند، به گونه‌ای که در نزاع‌ها و جنگ‌ها، واسطه بین دو دولت می‌شدند. از این بین، می‌توان به شیخ جعفر نجفی اشاره کرد. ایشان از مهم‌ترین علمای زمان فتحعلی شاه بود که سلطنت شاه را تأیید کرد و نیز جنگ با روس‌ها را به فتحعلی‌شاه تکلیف کرد. وی شاگرد وحید بهبهانی بود و چند بار در امور سیاسی دخالت کرد. از جمله در سال ۱۲۳۴ در درگیری‌های ایران و عثمانی بر سر بابان کردستان وی که مقیم کربلا بود میان سلیمان پاشا حاکم بغداد و محمدعلی میرزا وساطت کرد. وساطت شیخ جعفر نجفی برای آزادی اسرای عثمانی بود. (اشرف التواریخ، ۱۳۸۶، ص ۵۰۱)

د. انتقال کتاب و روزنامه به ایران

کرمانشاه محل انتقال روزنامه و کتاب به درون ایران بوده است. در آستانه مشروطیت، روزنامه‌هایی که نقش مؤثری در روشنگری‌های سیاسی و بیداری ایرانیان داشتند و در اروپا و عثمانی توسط ایرانیان به چاپ می‌رسیدند عمدتاً از این مسیر به ایران انتقال می‌یافتند. (مستوفی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۶۴) از سوی دیگر، روزنامه‌نگارانی از کشور روسیه در کرمانشاه استقرار یافته، اخبار ایران را از آنجا برای روزنامه‌های خود مخابره می‌کردند. (سپهر، ۱۳۳۶، ص ۳۵۹) فراوانی رفت و آمد طلاب و علما از این مسیر به عتبات و بالعکس سبب شده بود نوعی شجاعت مذهبی در میان مردم شیعه ساکن در این نواحی به وجود آید. آنها دیگر مذهب خود را کتمان نمی‌کردند. کتاب‌های مذهبی شیعی توسط طلاب، علما و حتی زوآر و مسافران از ایران به عتبات برده می‌شد، هرچند در گمرک بغداد ممانعت‌هایی صورت می‌گرفت، تا کتاب‌های مذهبی که محتوایشان مقبول آن‌ها نیست به داخل خاک عثمانی وارد نشود، اما این امر به هر نحو صورت می‌گرفت. (فخرالملک، ۱۳۷۲، ص ۳۲)

ه. هیأت‌های خارجی و تبشیری و یهودی و تأثیرهای آن

علاوه بر بهره‌های مذهبی، که مردم ایران و روحانیان و طلاب و اهل علم از مسیر قم - قصرشیرین می‌بردند، مبلغان آمریکایی و انگلیسی نیز، که به قصد تبلیغ مسیحیت عازم ایران می‌شدند، از این راه عبور می‌کردند. (گروته، ۱۳۶۹، ص ۱۹۰) در این بیان، یهودیان هم راه بغداد به قصرشیرین را در پیش گرفتند؛ زیرا آن‌ها اعتقاد داشتند مقبره استرو عموخان (استرو مردخای) در همدان است. این مقبره برای یهودیان همدان مکان مقدسی محسوب می‌شد. (همان، ص ۱۴۷) همدان یکی از بزرگ‌ترین مراکز یهودیان بود. (بایندر، ۱۳۷۰، ص ۴۳۳) آنان به ایجاد مدارس مذهبی مبادرت کردند. وجود مدارس «آلیانس» توسط کلیمی‌ها در همدان و حتی در کرمانشاه سبب شده بود عده‌ای از افراد مسلمان نیز برای تحصیل به آن مدارس وارد شوند و از این طریق، شمار زیادی از اهالی همدان و کرمانشاه با

زبان فرانسه آشنا شدند. (انه کلود، ۱۳۶۸، ص ۲۴۴) اعیان کردستان هم بچه‌هایشان را به یکی از این مدارس می‌سپردند. (گروته، ۱۳۶۹، ص ۱۴۸)

در آن سده‌ها، منفعت ایران در تجارت قالی بود. اروپاییان علاقه سیری ناپذیری به این صنعت داشتند. مدارس آلیانس فرانسوی - امریکایی و مانند آن در نفوذ تجاری کشورشان بسیار تأثیرگذار بود و به شدت تلاش می‌کردند، به ویژه آنکه تجارت شاه‌راه تهران - بغداد در دست ارمنه‌ای بود که بچه‌هایشان در این مدارس درس می‌خواندند.

و. رفت و آمد هنرمندان، معماران و شاعران

در تمام دوره قاجار، مانند دوره‌های قبل، همانند صفویه، تعمیرات و توسعه حرم‌های ائمه علیهم‌السلام با حمایت‌های مالی ایران صورت می‌گرفت و بسیاری از آن‌ها معماری اسلامی - ایرانی داشت؛ از جمله کاشی‌کاری. بنابراین، هر ساله و در دوره‌هایی هنرمندان و مسلمانان برای مدت‌های طولانی در عراق می‌ماندند. این امر نیاز به رفت و آمد تعداد قابل ملاحظه‌ای معمار، بنا، هنرمند و حتی ابزارآلات آنان داشت، (الحسینی، ۱۳۷۹، ص ۳۶) به گونه‌ای که گروته از گنبد زیبای حضرت علی علیه‌السلام در نجف نام می‌برد و از زیبایی آن یاد می‌کند. (گروته، ۱۳۶۹، ص ۱۸۱) بیشترین تعمیر عتبات در زمان ناصرالدین شاه صورت گرفت. عضدالملک در اواخر سال ۱۲۸۳ از طرف ناصرالدین شاه مأمور شد خشت‌های طلای گنبد‌های مطهر امام هادی علیه‌السلام و امام حسن عسکری علیه‌السلام را به عتبات ببرد و به شیخ عبدالحسین تهرانی تحویل دهد. (عضدالملک، ۱۳۷۰، ص ۸) شیخ عبدالحسین تهرانی ملقب به «شیخ العراقین»، مجتهدی بسیار فاضل و مقبول عامه بود. در دولت عثمانی نیز اعتبار زیادی داشت. ولات و حکام عراق عرب او را بسیار احترام می‌کردند. وی بر بیشتر تعمیرات و تأسیسات عتبات عالیات از جانب ناصرالدین شاه سمت مواظبت و مراقبت داشت. (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۸۹)

توسعه صحن مبارک حضرت سیدالشهداء - ارواحنا له الفداء - به اضافه هزار ذرع زمین از خان‌های اطراف صحن قدیم و بنای حجرات فوقانی و تحتانی و تعمیر گنبد مطهر

آن حضرت و همچنین مرمت بقعه مبارک حضرت ابوالفضل العباس - صلوات الله علیه - در سال ۱۲۷۷، سال چهاردهم جلوس ناصرالدین شاه، اتفاق افتاد. از دیگر کارهای او، تعمیر گنبد نجف اشرف و بیرون آوردن نهر عمیق و عریض از حوالی حله از جوار مسجد کوفه و عمارت خورتق بود که از بناهای نعمان بن منذر در زمان بهرام گور است. وی آب فرات را به دریای نجف رسانید. (همان، ص ۱۰۰)

همانگونه که گفته شد، حضور دولت شاه، موجب رفاه و آبادانی مناطق تحت حکمرانی وی شد. در دوران دولت شاه، صنایع و حرف در کرمانشاهان احیا گردید و در کنار این امور، صنایع نظامی پایه گذاری شد و ترویج یافت و به ویژه زمانی این امر اوج گرفت که هیأت فرانسوی به شهر وارد شد. در این زمان، ابنیه جدید الاحداث، سربازخانه، مساجد متعدد، بازار، و عمارت حکومتی شامل اماکن اداری و تفریحی در کرمانشاهان بنا گردید. خلاصه باید گفت که اساس ساختار شهری کرمانشاهان متعلق به دوره انتصاب و حکمرانی محمد علی میرزای دولت شاه است. در سطح شهر کرمانشاهان، مأمنی مطمئن برای مهاجران دیوانی و استعداد های صاحب ذوق فراهم گردید. ایجاد، احیا و رواج هنرهای سنتی در پناه توجه محمدعلی میرزا، همچون معماری، قلم زنی، نقاشی، خوشنویسی، شعر و ادب و در یک کلام، فرهنگ ایرانی و اسلامی در کرمانشاهان احیا گردید. در عهد دولت شاه (۱۲۱۲-۱۲۳۷)، شاعران شایسته و استعداد های ادبی از گوشه و کنار کشور به کرمانشاهان مهاجرت کردند و در سایه توجهات محمدعلی میرزا، کانونی از شعر و ادب در این سو پی ریزی گردید و محفلی دیگر از سرایندهگان مکتب عراق و خراسان و علما و دانشمندان در شهر کرمانشاه فراهم آمد. (هانری بایندر، ۱۳۷۰، ص ۴۰۱)

ز. رفت و آمد فرهنگی ها برای خواندن کتیبه های بیستون و سایر آثار تاریخی در دوره قاجار، رفت و آمد فرهنگی ها برای آمدن به ایران و بررسی مسائل جغرافیایی و تاریخی بیشتر شد. غیر از اهداف سیاسی که این گروه ها داشتند، دانشمندان شرق شناس برای خواندن کتیبه ها و کشف نوشته های آن در مسیر جاده قم - قصر شیرین مسافرت می کردند

که به کشفیات جالبی نیز نایل گشتند. فتح «گنج‌نامه همدان» و خواندن کتیبه‌های بیستون از اقدامات آن‌ها بود. معروف‌ترین آن‌ها اوژن فلاندن فرانسوی بود.

اوژن فلاندن، نقاش و سیاح و باستان‌شناس و نویسنده فرانسوی، به اتفاق دوست هنرمند خود پاسکال کیست، در دوران سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار در سال‌های ۱۲۱۹ و ۱۲۲۱ به ایران آمدند و آثار تاریخی «تخت‌جمشید» و «نقش رستم» را با دقت تمام بررسی کردند. فلاندن شرح این مسافرت را در یکی از تألیفات خود به نام *مسافرت به ایران در سال‌های ۱۸۴۰ و ۱۸۴۱ میلادی* نگاشته که مطالب سودمندی درباره دو اثر مزبور دارد. (فلاندن، ۲۵۳۶، ص ۱۷۷) مسافرت‌های دانشمندان شرق‌شناس با کمک‌های مالی فراوان کشورشان انجام می‌شد. دولت فرانسه هیأت اکتشافی «تکسیه»، «فلاندن» و «کوست» و در سال‌های آینده «دیولافوا» را به ایران فرستاد. کاوش‌ها یا اکتشافات، که با کمک‌های مالی فراوان انجام یافت، به طبع و نشر مجلدات گران‌بهای منجر گشت که با ذوق و قریحه ممتازی به تصاویر آراسته شده است. این مسافرت‌ها هنگامی ادامه داشت که کشورهای مورد نظر روابط خوبی با دولت قاجار داشتند. در هنگام تیرگی روابط، این کاوش‌ها و اکتشافات پایان می‌پذیرفت. (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۵)

نتیجه‌گیری

راه قم - قصرشیرین در دوره قاجار، مهم‌ترین راه داخلی ایران تا سرحدات غرب کشور بود. این راه به سبب کارکردهای متنوعی که داشت، تأثیرهای همه‌جانبه‌ای در حیات سیاسی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی شهرها، سکونت‌گاه‌ها و منازل واقع شده در طول مسیر برجای گذاشته است. طبقات گوناگون اجتماعی از این مسیر استفاده می‌کردند. توده‌های مردم از این مسیر راهی زیارت عتبات عالیات می‌شدند و یا جنازه‌های عزیزان خود را برای خاک‌سپاری در عتبات عالیات، از این مسیر عبور می‌دادند. نیاز بغداد به انواع کالاهای ایرانی سبب گردید تجار از این مسیر تجارت پروونقی با بغداد داشته باشند. حتی غربی‌ها نیز در کار تجارت، از این راه سود می‌جستند، به‌ویژه انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها و روس‌ها که علاقه فراوانی به تجارت فرش داشتند. عبور علما و طلاب دینی، که برای زیارت و یا تحصیل به عتبات می‌رفتند، فرصت مغتنمی برای آگاهی بخشی به توده‌های مردم ساکن این مسیر پروونق فراهم آورد، تا جایی که به همین سبب، بعضی از مناطق، مانند کرمانشاه به یک مرکز مهم علمی و فرهنگی و مذهبی تبدیل شده بود. این مسیر در اواخر دوره ناصری و مقارن ایام مشروطیت، راه مهم ورود اندیشه‌های نو و انقلابی بود. روشن‌فکران ایرانی مقیم اروپا و عثمانی از این راه، برای انتقال روزنامه‌هایی که در آن سرزمین‌ها چاپ می‌گردید، استفاده می‌کردند.

فهرست منابع

۱. ادیب الملک، *سفرنامه ادیب الملک*، تصحیح مسعود گلزار، تهران، دادجو، بی‌تا.
۲. ارباب، محمدتقی، *قم‌نامه*، قم، کتاب‌خانه آیت‌الله العظمی مرعشی، ۱۳۶۴.
۳. اعتصام الملک، *سفرنامه اعتصام الملک*، تصحیح منوچهر محمودی، تهران، مصحح، بی‌تا.
۴. اعتضاد السلطنه، محمدحسن خان، *اکسیرالتواریخ*، تهران، ویسمن، ۱۳۷۱.
۵. _____، *تاریخ منتظم ناصری*، ج ۳، تصحیح اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۷.
۶. _____، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۷. افضل الملک، *سفرنامه قم*، قم، زایر، ۱۳۸۴.
۸. انه، کلود، *خاطرات سفر کلود انه در آغاز مشروطیت*، ترجمه ایرج پروشانی، تهران، معین، ۱۳۶۸.
۹. اوژن اوین، *ایران امروز*، ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران، زوار، ۱۳۶۲.
۱۰. اولیویه، *سفرنامه اولیویه*، ترجمه محمدظاهر میرزا، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۱.
۱۱. بایندر، هانری، *کردستان، بین النهرین و ایران*، ترجمه کرامت‌الله افسر، تهران، فرهنگ‌سرا، ۱۳۷۰.
۱۲. براون، ادوارد، *انقلاب مشروطیت ایران*، تهران، کویر، ۱۳۸۶.
۱۳. بروگش، هیزش، *سفری به دربار صاحبقران*، ترجمه کردبچه، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۷.
۱۴. پری، جان، *کریم خان زند*، ترجمه محمدعلی ساکتی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۸.
۱۵. پژوهش کمبریج، *تاریخ ایران دوره صفویه*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، جامی، ۱۳۸۰.
۱۶. جکسن، *سفرنامه جکسن*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، خوارزمی، بی‌تا.
۱۷. جمال زاده، محمدعلی، *گنج شایگان*، تهران، بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۷۶.

۱۸. دالمانی، هانری رونه، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه محمدعلی فره‌وشی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۵.
۱۹. دمورگان، *جغرافیای غرب ایران*، ترجمه کاظم ودیعی، تبریز، چهر، ۱۳۳۹.
۲۰. دوبد، بارون و سیسیل جان ادموندز و ولادیمیر مینورسکی، *دو سفرنامه درباره لرستان*، ترجمه اسکندر امان‌اللهی بهاروند و لیلی بختیاری، تهران، بابک، ۱۳۶۲.
۲۱. دوراند، سرتی مور، *سفرنامه دوراند*، ترجمه علی محمد کسای، تهران، آفتاب، بی‌تا.
۲۲. دولت آبادی، یحیی، *حیات یحیی*، تهران، فردوس، ۱۳۷۱.
۲۳. دیوان بیگی، احمد، *حدیقه الشعرا*، تهران، زرین، ۱۳۶۴.
۲۴. دیولافوا، *سفرنامه دیولافوا*، ترجمه فره‌وشی، تهران، خیام، ۱۳۳۲.
۲۵. راوندی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی ایران*، تهران، نگاه، ۱۳۸۲.
۲۶. سپهر، احمدعلی، *ایران در جنگ بزرگ*، تهران، چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۳۶.
۲۷. سیف‌الدوله، *سفرنامه سیف‌الدوله*، تهران، نی، ۱۳۶۴.
۲۸. شمیم، علی اصغر، *ایران دوره سلطنت قاجار*، تهران، بهزاد، ۱۳۸۷.
۲۹. عضدالملک، علیرضا، *سفرنامه عضدالملک*، تهران، مؤسسه مطالعات پژوهش، ۱۳۷۰.
۳۰. عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور، *روزنامه خاطرات عین السلطنه*، تهران، اساطیر، ۱۳۷۴.
۳۱. فخرالملک، ابوالحسن خان، *از حریم تا حرم*، تهران، اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲.
۳۲. فراهانی، حسن، *روزشمار تاریخ معاصر ایران*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵.
۳۳. فلاندن، اوژن، *تهران*، ترجمه حسین نورصادقی، اشرافی، ۲۵۳۶.
۳۴. قاضی عسگر، *حدیث قافله‌ها*، قم، مشعر، ۱۳۸۲.
۳۵. قائدان، اصغر، *عتبات عالیات عراق*، قم، مشعر، ۱۳۸۳.
۳۶. قراکزلو، فرید، *خاطرات فرید*، تهران، زوآر، ۱۳۵۴.
۳۷. کرزن، جورج ناتانیل، *ایران و قضیه ایران*، ج ۱، ترجمه غلام علی وحید مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
۳۸. گروه، هوگو، *سفرنامه گروه*، ترجمه مجید جلیلود، تهران، مرکز، ۱۳۶۹.

۳۹. لسترنج، گای، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
۴۰. ماکسیم، سیرو، *کاروانسراهای ایران و ساختمان‌های کوچک بین راه*، ترجمه عیسی بهنام، تهران، سازمان حفاظت آثار باستانی ایران، ۱۹۴۹.
۴۱. محبوبی اردکانی، حسین، *چهل سال تاریخ ایران*، تهران، اساطیر، ۱۳۷۴.
۴۲. مستوفی، عبدالله، *شرح زندگانی من*، تهران، زوآر، ۱۳۷۷.
۴۳. مهدوی، هوشنگ، *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۸.
۴۴. موریه، جیمز، *سفرنامه جیمز موریه*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۸۵.
۴۵. نصیری، محمدرضا، *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران: دوره افشاریه*، گیلان، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۴.
۴۶. نوری، محمدتقی بن محمد مهدی، *اشرف التواریخ*، مصحح، سوسن اصیلی، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۶.
۴۷. هدایتی، هادی، *تاریخ زندیه*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۴.
۴۸. والیزاده معجزی، محمدرضا، *تاریخ لرستان روزگار قاجار*، تهران، حروفیه، ۱۳۸۰.
۴۹. ویلز، *ایران در یک قرن پیش*، ترجمه قراگزلو، تهران، اقبال، ۱۳۶۸.